

تفسیری قصدگرایانه از صلاحیت مقام رهبری در صدور فرمان همه‌پرسی؛ موضوع بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی

محمدامین ابریشمی راد^۱ - حامد نیکونهاد^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۳

چکیده

این‌ها در خصوص مفهوم مدنظر اعضای شورای بازنگری از به کار بردن اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» در بند «۳» اصل ۱۱۰ منجر شده تا نقش واقعی مقام رهبری در فرآیند همه‌پرسی و حوزه شمول این صلاحیت نسبت به اقسام همه‌پرسی همواره در میان حقوقدانان محل تردید و اختلاف باشد. در این پژوهش تلاش شد تا مبتنی بر رویکردی قصدگرایانه و در قالب مطالعاتی توصیفی-تحلیلی، مفهوم اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» تبیین شود تا به تبع آن بتوان حدود صلاحیت مقام رهبری در فرآیند همه‌پرسی‌های اساسی و تقنینی را تبیین کرد. با تحلیل مذاکرات اعضای شورای بازنگری تا زمان تصویب بند «۳» اصل ۱۱۰ و با عطف توجه به سایر قرائن مربوطه می‌توان گفت که اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» به منظور شناسایی اقدام عملی حضرت امام خمینی (ره) در صدور فرمان آغاز فرآیند «همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی» پیش‌بینی شد و باید آن را تکرار حکم صدر اصل ۱۷۷ دانست. لذا این صلاحیت مقام رهبری به همه‌پرسی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی تسری پیدا نمی‌کند.

واژگان کلیدی: اصل ۱۱۰ قانون اساسی، فرمان همه‌پرسی، مقام رهبری، همه‌پرسی تقنینی، همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی.

مقدمه

اصل ششم قانون اساسی^۱ اداره امور کشور را به اتکای آرای عمومی و از راه «انتخابات» یا «همه‌پرسی» تعیین کرده است. عبارت ذیل این اصل نیز موارد استفاده از همه‌پرسی در ایران را منحصر در موارد تعیین شده در اصول دیگر قانون اساسی دانسته است. بر طبق اصول مختلف قانون اساسی، اقسام همه‌پرسی در ایران را باید به همه‌پرسی تقنینی (موضوع اصل ۵۹)^۲ و همه‌پرسی بازننگری در قانون اساسی (موضوع اصل ۱۷۷)^۳ تقسیم کرد.^۴

در جریان بازننگری در قانون اساسی (سال ۱۳۶۸)، هم‌زمان با اضافه شدن اصل ۱۷۷ به قانون اساسی، فرمان همه‌پرسی در قالب بند «۳» اصل ۱۱۰ به وظایف و اختیارات رهبری اضافه شد. با اضافه شدن صلاحیت مزبور به صلاحیت‌های مقام رهبری و با توجه به ابهاماتی که در خصوص هدف اعضای شورای بازننگری از پیش‌بینی این صلاحیت وجود داشت، تبیین نقش واقعی مقام رهبری در صدور این فرمان و شمول این صلاحیت نسبت به همه‌پرسی تقنینی - که از سال ۱۳۵۸ در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود - همواره محل تأمل و بررسی بوده است.

در این خصوص هرچند برخی این صلاحیت مقام رهبری را کاملاً روشن دانسته‌اند و آن را نیازمند توضیح نمی‌دانند^۵، اما بین حقوقدانان در زمینه حوزه شمول این صلاحیت همواره اختلافاتی وجود داشته است. به‌عنوان نمونه، برخی با استناد به اطلاق بند «۳»، این صلاحیت مقام

۱. طبق اصل ششم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

۲. اصل ۵۹- در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

۳. اصل ۱۷۷- بازننگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا تنمیم قانون اساسی را به شورای بازننگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید: ۱- ...

مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست. ...

۴. برخی برگزاری همه‌پرسی توسط مقام رهبری به‌منظور اتخاذ تصمیمات سیاسی و قانونی را به‌عنوان یکی از اقسام همه‌پرسی و قسیم همه‌پرسی تقنینی و همه‌پرسی بازننگری در قانون اساسی مطرح کرده‌اند. (سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ بیستم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷) ص ۷۱، در این خصوص توجه به این نکته لازم است که با توجه به اینکه از صراحت اصول قانون اساسی چنین صلاحیتی قابل استخراج نیست، لذا این نوع از همه‌پرسی را نمی‌توان به‌صورت پیش‌فرض به‌عنوان یکی از طرق عادی برگزاری همه‌پرسی محسوب کرد و اثبات آن نیازمند مقاله‌ای جداگانه است.

۵. محمد یزدی، قانون اساسی برای همه (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵) ص ۵۵۴.

رهبری را شامل هر نوع همه‌پرسی اعم از همه‌پرسی تقنینی یا اصلاح قانون اساسی دانسته‌اند.^۱ همچنین، برخی با عطف توجه به صراحت اصل ۱۷۷ که به صلاحیت مقام رهبری در فرآیند بازنگری اشاره دارد، این گونه نتیجه گرفته‌اند که فرمان مقام رهبری جهت پیشنهاد بازنگری در قانون اساسی شامل پیامدهای آن (از جمله ارجاع به همه‌پرسی) نیز می‌شود. بنابراین، با توجه به مقدمه فوق، در اصل ۱۱۰ ضرورتی جهت تصریح به صلاحیت مقام رهبری راجع به فرمان همه‌پرسی بازنگری نبوده و در نتیجه منظور از بند «۳» اصل ۱۱۰، همه‌پرسی موضوع اصل ۵۹ بوده است.^۲ در مقابل، برخی با عطف توجه به قرینه موجود در اصل ۱۷۷، این صلاحیت مقام رهبری را شامل همه‌پرسی تقنینی ندانسته‌اند.^۳

همچنان که از نظرات ذکر شده مشخص است، آنچه در این زمینه همواره مدنظر حقوقدانان بوده و به‌عنوان یک ضرورت محسوب می‌شده، تبیین حوزه شمول این صلاحیت بوده است و تاکنون حقوقدانان به تبیین مراد اعضای شورای بازنگری از پیش‌بینی این صلاحیت نپرداخته‌اند. این در حالی است که تبیین مفهوم مدنظر اعضای شورای بازنگری از پیش‌بینی اصطلاح مذکور می‌تواند هدف اعضای آن شورا از پیش‌بینی بند «۳» اصل ۱۱۰ و به تبع آن شمول این صلاحیت نسبت به اقسام همه‌پرسی مصرح در قانون اساسی را مشخص کند. بر این اساس، در این پژوهش بناست تا مبتنی بر رویکرد تفسیری قصدگرایانه که به دنبال کشف نیت و هدف مؤلف یا قانونگذار است، به بررسی توصیفی-تحلیلی ابعاد صلاحیت مقام رهبری در صدور «فرمان همه‌پرسی» پرداخته شود.^۴ در این راستا، تلاش خواهد شد تا به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

۱. فرید محسنی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۹۵) ص ۱۴۰.

۲. حسین مهرپور، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۸۷) ص ۱۳۰.

۳. سیدمحمد هاشمی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، چاپ بیستم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷) ص ۷۱.

۴. علی‌رغم اینکه برخی از حقوقدانان، منبع اساسی جهت فهم مراد قانون‌گذار در جریان بازنگری در قانون اساسی را «اراده مردم» دانسته‌اند، اما این دسته از حقوقدانان نیز نافی امکان استناد به مشروح مذاکرات شورای بازنگری نیستند و مفاد آن را واجد ارزش «قرینه‌ای» دانسته‌اند. جهت مشاهده این نظر رک: مجتبی واعظی، «ارزش حقوقی مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۳، (۱۳۸۳)، ص ۱۷۹.

ضمن اینکه، به عقیده نویسندگان این مقاله نقش مردم در فرآیند تصویب اصلاحات قانون اساسی تنفیذی است و نه تصویبی و تنها در صورتی می‌توان اراده مستقیم مردم را مبنای کشف مراد اصول قانون اساسی دانست که اصول قانون اساسی به صورت انحلالی (اصل به اصل) به تصویب آن‌ها رسیده باشد. مضاف بر این، تأیید یکپارچه و بدون اصلاحات مصوبه شورای بازنگری از سوی مردم مؤید آن است که پیش‌فرض رأی‌دهندگان به مصوبه شورای بازنگری، همان چیزی بوده است که در منظومه فکری اعضای شورای بازنگری وجود داشته و در قالب آن مصوبه اراده شده است. بنابراین، هرگونه ادعای خلاف این مطلب، نیازمند ارائه دلیل و اثبات آن است.

سؤال اصلی

- تدوین‌کنندگان قانون اساسی با پیش‌بینی بند «۳» اصل ۱۱۰ دقیقاً به دنبال پیش‌بینی چه صلاحیتی برای مقام رهبری بوده‌اند؟

سؤال فرعی

- صلاحیت مقام رهبری در صدور «فرمان همه‌پرسی» شامل کدام نوع از همه‌پرسی‌های مصرح در قانون اساسی می‌شود؟

فرضیه نویسندگان این مقاله آن است که برخلاف تبادر اولیه و عرفی موجود از اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» که به معنای «فرمان آغاز رأی‌گیری» به عنوان آخرین مرحله فرآیند همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی می‌باشد، آنچه مدنظر اعضای شورای بازنگری تا قبل از تصویب بند «۳» اصل ۱۱۰ بوده، معادل با اقدام عملی حضرت امام خمینی^(ره) در «صدور فرمان آغاز فرآیند بازنگری» بوده است. لذا با این برداشت، بند «۳» اصل ۱۱۰ واجد صلاحیت جدیدی در فرآیند بازنگری برای مقام رهبری نیست و تنها تأکید بر صلاحیت آن مقام در صدر اصل ۱۷۷ قانون اساسی دارد. در این خصوص، نویسندگان مقاله معتقدند که با عطف توجه به قواعد علم اصول، اصطلاحات و واژگان، اموری اعتباری می‌باشند و در گذر زمان و به اقتضای شرایط مختلف ممکن است معانی مختلفی از آن‌ها برداشت و یا قصد شده باشد. لذا، اینکه «فرمان همه‌پرسی» به معنای «فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی» تلقی شود امر محال و بعیدی نیست و در صورت وجود قرائن و اماراتی در این خصوص، اثبات این فرضیه امکان‌پذیر است.

بنا بر بررسی‌های انجام شده، تاکنون در هیچ پژوهشی به بررسی مراد و هدف اعضای شورای بازنگری از پیش‌بینی بند «۳» اصل ۱۱۰ پرداخته نشده و این امر علاوه بر اینکه ضرورت انجام این پژوهش را می‌رساند، این مقاله را واجد وصف بدیع بودن کرده است.

با توجه به مقدمات فوق، در این پژوهش تلاش خواهد شد تا به اختصار به مفهوم‌شناسی اصطلاح «همه‌پرسی» و نقش رؤسای کشورها در صدور فرمان همه‌پرسی پرداخته شود (بند «۱»). سپس، اقسام همه‌پرسی در قانون اساسی ایران و نقش‌های قابل تصور برای مقام رهبری در آن‌ها، مبتنی بر برداشت‌های مختلف از حکم بند «۳» اصل ۱۱۰ توصیف و تحلیل می‌شوند (بند «۲»). در

ادامه به تبیین مفهوم اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» از منظر اعضای شورای بازنگری پرداخته خواهد شد (بند (۳)) و در نهایت سایر قرائن مؤید انحصار فرمان همه‌پرسی به ابتکار رهبر در همه‌پرسی اساسی مطرح خواهند شد (بند (۴)).

۱. مفهوم «همه‌پرسی» و نقش رؤسای کشورها در صدور فرمان همه‌پرسی

«همه‌پرسی» معادل با واژه «فراندوم»^۱ در زبان انگلیسی است. از نظر لغوی، فراندوم را وضعیتی دانسته‌اند که همه مردم یک کشور بتوانند در زمینه یک موضوع مهم رأی بدهند.^۲ در تعریف دیگر، فراندوم وضعیتی دانسته شده که همه افراد کشور از طریق رأی دادن در تصمیم‌گیری خاصی مشارکت نمایند.^۳ در لغت‌نامه‌های تخصصی حقوق نیز فراندوم را واگذاری تدبیر قانون‌گذاری در خصوص نیازها و طرح‌های ارائه شده به رأی عمومی تعریف کرده‌اند.^۴ در لغت‌نامه فارسی نیز همه‌پرسی معادل با «رأی‌گیری عمومی برای رد یا قبول یک پیشنهاد» دانسته شده است.^۵

در تعاریف حقوق‌دانان از اصطلاح «همه‌پرسی» برخی آن را «رجوع به آرای عمومی و به مشورت گرفتن مردم، درباره لزوم یا عدم لزوم و همچنین شکل و محتوای قاعده‌ای از قوانین عادی و یا اساسی» تعریف کرده‌اند.^۶ در تعریف دیگر، همه‌پرسی عبارت از عمل حکومتی دانسته شده که با مراجعه به آرای شهروندان و کسب نظر سیاسی و حقوقی آنها، به دنبال شناسایی منافع عمومی مورد انتظار آنها است.^۷

بنا بر تعاریف لغوی و اصطلاحی ارائه شده می‌توان همه‌پرسی را ابزار اعمال مستقیم اراده مردم در زمینه تصمیم‌گیری‌های عمومی معرفی کرد.

تردیدی نیست که همه‌پرسی یکی از شیوه‌های تحقق دموکراسی مستقیم، به‌عنوان خالص‌ترین نوع دموکراسی است.^۸ با این مشخصه، برخی همه‌پرسی را به‌عنوان بهترین روش افزایش مشارکت

1. Referendum.

2. A.S Hornby, *Oxford Advanced Learners Dictionary of Current English*, Sixth Edition, Edited by Sally Wehmeier (London: Oxford University Press, 2001) P 1067.

3. Longman, *Longman Dictionary of contemporary English*, Third Edition (Longman, 2001) P 1187.

4. Curzon, L.B, *Dictionary of Law*, Sixth Edition (Longman, 2002) p 358.

۵. علی‌اکبر دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، ج دوم (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵) ص ۳۱۸۱.

۶. سید ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳) ص ۳۳۱.

۷. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰) ص ۲۳۲.

۸. باوجود مزایای دموکراسی مستقیم، ایراداتی نیز نسبت به این نوع از دموکراسی وارد است. جهت مطالعه در این خصوص رک:

شهروندان و مشورت با آن‌ها در خصوص موضوعات عمومی دانسته‌اند.^۱ از سوی دیگر، همه‌پرسی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های بسیج نمودن رأی‌دهندگان و افزایش مشارکت آنان در امور سیاسی دانسته شده است.^۲ برخی نیز همه‌پرسی را به‌عنوان یکی از راه‌های رایج مشروعیت بخشیدن به رژیم سیاسی معرفی کرده‌اند.^۳

چنانچه همه‌پرسی به‌عنوان یک روش یا شیوه تلقی شود، با توجه به ماهیت، موضوع و شیوه‌های اجرایی مختلف، باید آن را دارای اقسام و گونه‌های مختلفی قلمداد کرد. به‌عنوان نمونه در یک تقسیم‌بندی، در صورتی که رجوع به آرای عمومی بیش از اینکه در خصوص موضوع معین و مشخصی باشد، حالت اعلام اعتماد عمومی نسبت به رئیس مملکت یا شخصیت سیاسی پیدا نماید، به آن «پله‌بیسیت»^۴ می‌گویند.^۵ در تقسیم‌بندی دیگر، گاهی همه‌پرسی با حمایت دولت^۶ تدارک دیده می‌شود و گاهی ابتکار شهروندان^۷ است که سبب برگزاری همه‌پرسی خواهد شد.^۸ از سوی دیگر، همه‌پرسی بر مبنای تکلیف یا اختیار دولت در به همه‌پرسی گذاشتن موضوعات به اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود.^۹

بررسی قوانین اساسی کشورهای جهان گویای آن است که فارغ از آن دسته از کشورهایی که هیچ نقش و جایگاهی برای صدور فرمان -یا حتی فراخوان- در زمینه برگزاری همه‌پرسی قائل نیستند، در قوانین اساسی برخی از کشورها با به‌کارگیری اصطلاحات و عبارات متفاوتی، شروع فرآیند برخی از اقسام همه‌پرسی‌ها منوط به تصمیم‌گیری و صدور فرمان از طرف یک مقام یا مرجع خاص که معمولاً رئیس کشور می‌باشد، دانسته شده است. به‌عنوان نمونه ماده (۷۲)

Andrew Ellis, "The Use and Design of Referendums", 2007, P 5-6. (Visible on: <https://www.idea.int/sites/default/files/speeches/The-Use-and-Design-of-Referendums.pdf>, last seen: 13 April 2019).

همچنین رک: جعفر بوشهری، حقوق اساسی حکومت (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵) ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

1. Maija Setala, *Referendums and Democratic Government* (London: Palgrave Macmillan, 1999) P 1.

2. Claes H. De Vreese, Holli A Semetko, *Political Campaigning in Referendums (Framing the Referendum Issue)* (Routledge London and New York, 2004) P 180.

۳. جعفر بوشهری، حقوق اساسی تطبیقی (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴) ص ۴۷.

4. Polebicite.

۵. برخی پله‌بیسیت را به‌عنوان «همه‌پرسی سیاسی» معرفی کرده‌اند؛ رک: منصور ابادری فومشی، ترمینولوژی حقوق نوین، جلد سوم (تهران: انتشارات شهید داریوش نوراللهی، ۱۳۹۲) ص ۱۰۵۶.

6. Government-sponsored.

7. Citizen-initiated.

8. Matthew Mendelsohn, Andrew Parkin, *Referendum Democracy* (Palgrave, 2000) P 1.

۹. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، چاپ چهاردهم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰) ص ۷۷.

قانون اساسی کره جنوبی^۱ این گونه مقرر داشته است که در صورتی که رئیس‌جمهور ضروری تشخیص دهد، می‌تواند تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مهم راجع به دیپلماسی، دفاع ملی، وحدت مملکت و یا سایر مسائل مربوط به سرنوشت ملی را به همه‌پرسی ملی بگذارد. در این خصوص تردیدی نیست که تصمیم و فرمان مقام مربوطه را می‌توان به منزله‌ی فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی تلقی کرد و بدیهی است که این فرمان در واقع ابتکار و پیشنهاد همه‌پرسی محسوب می‌شود. در مقابل، در قوانین اساسی کشورهای متعددی، پس از پیش‌بینی موارد و ترتیبات ابتکار و ارجاع موضوع به همه‌پرسی، برگزاری مرحله رأی‌گیری و تکمیل فرآیند همه‌پرسی متوقف بر صدور دستور یا فرمان از جانب مرجع یا مقام خاصی دانسته شده که غالباً رئیس کشور (اعم از پادشاه^۲ یا رئیس‌جمهور^۳) می‌باشند.^۴ بررسی قوانین اساسی و عادی این دسته از کشورها گویای آن است که در اغلب این کشورها صلاحیت مقام و مرجع مزبور جنبه تشریفاتی و نمادین دارد و حداکثر اختیار آن مقام در این زمینه، تعیین زمان برگزاری رأی‌گیری است. به‌عنوان نمونه، با توجه به بند «۹» ماده «۵۳» قانون اساسی ترکمنستان^۵، رئیس‌جمهور این کشور در مقام صدور فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری)، تنها در زمینه تعیین زمان برگزاری همه‌پرسی صالح دانسته شده است. همچنین، با توجه به جزء «۳» بند «۴۲» بخش پنجم قانون اساسی دانمارک، پس از طی فرآیند قانونی برگزاری همه‌پرسی، صلاحیت صدور فرمان همه‌پرسی محدود به تعیین زمان برگزاری همه‌پرسی است.^۶

۱. جهت مشاهده رک:

https://www.constituteproject.org/constitution/Republic_of_Korea_1987.pdf?lang=en.

۲. در بند «ج» بخش «۶۲» و بند «۲» بخش «۹۲» قانون اساسی اسپانیا، فراخوان برگزاری همه‌پرسی (رأی‌گیری) برای مقام پادشاه در نظر گرفته شده است. (جهت مشاهده رک:

http://www.congreso.es/portal/page/portal/Congreso/Congreso/Hist_Normas/Norm/const_espa_texto_ingles_.pdf).

۳. در ماده «۸۷» قانون اساسی ایتالیا، رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس حکومت و مظهر وحدت ملی، صدور فراخوان برگزاری همه‌پرسی در موارد پیش‌بینی شده در قانون اساسی را برعهده دارد. (جهت مشاهده رک:

https://www.constituteproject.org/constitution/Italy_۲۰۱۲.pdf?lang=en).

۴. در این موارد، غالباً در ترجمه انگلیسی قوانین اساسی کشورها از اصطلاحاتی همچون «Call» یا «Submit» که به ترتیب به معنای «دعوت کردن یا فراخوان دادن» و «ارسال یا ارائه کردن» می‌باشند، در مقام رساندن مفهوم «فرمان همه‌پرسی» استفاده شده است.

۵. جهت مشاهده قانون اساسی کشور ترکمنستان رک:

https://www.constituteproject.org/constitution/Turkmenistan_2008.pdf?lang=en.

۶. بر طبق جزء مزبور و همچنین بند «۲» ماده «۹۵» قانون انتخابات پارلمانی دانمارک (مصوب ۱۹۸۸ میلادی)، زمان

۲. اقسام همه‌پرسی در قانون اساسی ایران و نقش‌های قابل‌تصور برای مقام رهبری در آن‌ها

به استناد صراحت اصول ۵۹ و ۱۷۷ قانون اساسی، همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی و همه‌پرسی تقنینی، دو طریق ممکن جهت برگزاری همه‌پرسی در ایران می‌باشند. بر طبق اصل ۱۷۷، بازنگری در قانون اساسی از طریق مراجعه به آرای عمومی و با تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی امکان‌پذیر است. در این فرآیند، در موارد ضروری مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور، موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری پیشنهاد می‌کند و مصوبات شورای مزبور پس از تأیید و امضای مقام رهبری به آرای عمومی گذاشته خواهد شد.

با توجه به فرآیند ذکر شده، در صورتی که فرمان همه‌پرسی در بند «۳» اصل ۱۱۰ به‌عنوان یک مرحله مستقل و به معنای فرمان مرحله رأی‌گیری فرض شود، به‌منظور جمع این صلاحیت با فرآیند مقرر در اصل ۱۷۷، باید این‌گونه نتیجه گرفت که پس از تأیید و امضای مصوبه شورای بازنگری توسط مقام رهبری، ایشان باید فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) را نیز صادر کنند تا موضوع به آرای عمومی گذاشته شود. لذا در این فرض، مقام رهبری در خصوص همه‌پرسی بازنگری دارای سه صلاحیت ابتکار بازنگری، تأیید و امضای مصوبه شورای بازنگری و بالاخره صدور فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) است. این در حالی است که در مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی مربوط به اصل ۱۷۷ قانون اساسی، مشخصاً برخی از اعضا با پیش‌بینی صلاحیت‌های مکرر و پی‌درپی در فرآیند بازنگری برای مقام رهبری مخالفت کرده‌اند و مبتنی بر نظرات آنها پیشنهادات مطروحه در این زمینه کنار گذاشته شد. به‌عنوان نمونه، در بخشی از مذاکرات آن اصل، آذری قمی بیان می‌دارند: «این مسأله‌ای که ... شش دفعه تأیید رهبر و نظر رهبر را آنجا ذکر کرده‌اند، خیلی شور شده به نظر من و به تعبیر قمی خودمان خیلی رهبر را دستمالی کرده‌ایم! عرض کنم که خوب این به نظر من کافی است که در دو جا اسم رهبر را بیاوریم: یکی آن پیشنهاد دهنده نهایی نه پیشنهاد به

برگزاری همه‌پرسی باید بین دوازده روز تا هشتاد روز کاری بعد از انتشار لایحه موضوع همه‌پرسی از سوی نخست‌وزیر تعیین شود، (جهت مشاهده قانون اساسی کشور دانمارک رک:

https://www.constituteproject.org/constitution/Denmark_1953.pdf?lang=en).

معنای اینکه مثلاً بشود، نشود. نه پیشنهاد بدهند، یعنی در حقیقت همان حکم بکنند به اینکه این فراندوم انجام بگیرد [منظور ایشان از اصطلاح فراندوم مرحله رأی گیری نیست؛ بلکه لزوم آغاز فرآیند بازنگری در قانون اساسی است]، این تغییر انجام بگیرد. یکی هم آن آخر کار که حتماً به تأیید رهبری برسد و طبق نظر او که اصلاح شد آن وقت بعد به فراندوم بگذارند، ...^۱ در مقابل، اگر اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» در معنای فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی بازنگری فرض شود، با توجه به شناسایی این صلاحیت در صدر اصل ۱۷۷، مقام رهبری در زمینه این نوع از همه‌پرسی تنها دو صلاحیت ابتکار بازنگری و تأیید و امضای مصوبه شورای بازنگری را دارد.

علاوه بر مورد قبل، به موجب اصل ۵۹ قانون اساسی امکان اعمال قوه مقننه در مسائل بسیار مهم از طریق همه‌پرسی پیش‌بینی شده است. با فرض شمول صلاحیت مقام رهبری در صدور «فرمان همه‌پرسی» نسبت به همه‌پرسی موضوع این اصل و با فرض اینکه صدور فرمان همه‌پرسی به معنای صدور فرمان مرحله رأی‌گیری باشد، فرآیند این همه‌پرسی بدین صورت است که پس از تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس، مبنی بر لزوم ارجاع موضوع به همه‌پرسی و در صورت تأیید آن مصوبه توسط شورای نگهبان^۲، برگزاری همه‌پرسی (رأی‌گیری) منوط به صدور فرمان از سوی مقام رهبری است. در این خصوص نیز مختصراً باید اشاره کرد که بررسی سرتاسر مشروح مذاکرات شورای بازنگری گویای آن است که در هیچ قسمت از آن مذاکرات قرینه‌ای مبنی بر اینکه اعضای شورای بازنگری قصد تسری فرمان همه‌پرسی به همه‌پرسی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی را داشته باشند وجود ندارد و اثبات شمول این صلاحیت نسبت به همه‌پرسی موضوع اصل ۵۹ تنها از طریق «اطلاق» این صلاحیت صورت می‌گیرد که این موضوع نیز مبتنی بر علم اصول در ادامه رد خواهد شد.

در مقابل فرض فوق، با فرض اینکه فرمان همه‌پرسی در بند «۳» اصل ۱۱۰ به معنای فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی باشد، شمول این صلاحیت نسبت به اصل ۵۹ قانون اساسی بعید می‌نماید. چراکه به صراحت اصل مزبور، ابتکار همه‌پرسی تقنینی در مسائل مهم از طریق

۱. اداره کل قوانین، اداره تندنویسی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ دوم (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۸۱) ص ۶۰۸.
۲. نظر تفسیری شماره ۸۱/۳۰/۴۱۰۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۵ شورای نگهبان در خصوص اصل ۵۹.

«درخواست مراجعه به آرای عمومی» تعیین شده و اصطلاحات «درخواست» و «فرمان» دو مفهوم متفاوت دارند. لذا، برخلاف واژه «فرمان» که به معنای حکم، امر، دستور، اجازه و یا حکمی که از جانب شخصی بزرگ صادر می‌شود، می‌باشد^۱ و معمولاً به اوامر رئیس کشور در رژیم‌های سلطنتی یا جمهوری می‌گویند^۲ و از طرفی، حاکی از بالاتر بودن مقام و جایگاه مقام فرمان‌دهنده نسبت به مرجع موضوع فرمان است و دلالت بر لزوم پیروی از آن فرمان دارد؛ واژه «درخواست» به معنای خواهش، استدعا، طلب، تقاضا، تمنی و مواردی از این دست می‌باشد^۳ و حاکی از پایین‌تر بودن و یا هم‌عرض بودن مقام و جایگاه مقام درخواست‌کننده نسبت به مرجع درخواست‌شونده دارد. با این مقدمه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که فرض تسری صلاحیت مقرر در بند «۳» اصل ۱۱۰ نسبت به همه‌پرسی تقنینی تنها در صورتی متصور خواهد بود که فرمان همه‌پرسی را به معنای متداول آن یعنی «فرمان مرحله رأی‌گیری» تلقی کنیم و در صورت اثبات این مطلب که اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» در اندیشه اعضای شورای بازنگری به معنای «فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی» بوده، خودبه‌خود شمول آن نسبت به اصل ۵۹ قانون اساسی منتفی خواهد بود. چراکه در این فرض اساساً همه‌پرسی تقنینی از طریق فرمان آغاز نمی‌شود و مراجع صالح جهت درخواست آن نیز توسط قانونگذار مشخص شده‌اند.^۴

با عطف توجه به فرضیات فوق، در ادامه تلاش می‌شود تا با بررسی مشروح مذاکرات شورای بازنگری، به اثبات این مطلب پرداخته شود که قرائن متعددی وجود دارد که مفهوم مدنظر اعضای شورای بازنگری از اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» در بند «۳» اصل ۱۱۰، فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی و به صورت خاص فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی بازنگری بوده است.

۱. علی‌اکبر دهخدا، همان، ج دوم، ص ۲۱۰۸.

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ سوم (تهران: کتابخانه گنج‌دانش، ۱۳۸۶) ص ۲۷۸۰.

۳. علی‌اکبر دهخدا، همان، ج اول، ص ۱۲۵۹.

۴. ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸: همه‌پرسی به پیشنهاد رئیس جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دوسوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام خواهد شد.

۳. تبیین مفهوم اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» از منظر اعضای شورای بازنگری در قانون اساسی

پیش‌بینی صلاحیت صدور فرمان همه‌پرسی برای مقام رهبری، ابتدا در بند «۵» پیش‌نویس اصل ۱۱۰ و در جریان بازنگری در قانون اساسی صورت پذیرفت. با توجه به عدم تصویب بندهای «۳» و «۴» پیش‌نویس مزبور، در نهایت این صلاحیت به‌عنوان بند «۳» باقی ماند. با بررسی مشروح مذاکرات شورای بازنگری مشاهده می‌شود که در جریان بررسی و تصویب بند مزبور در شور دوم بررسی‌ها، برخلاف رویه اعضای شورای مزبور در بررسی و تصویب اصول مختلف، به‌جز یک پیشنهاد اصلاح عبارتی^۱، هیچ‌گونه توضیح تکمیلی و یا مخالفتی در این زمینه مطرح نمی‌شود تا با استفاده از آن بتوان منظور تدوین‌کنندگان قانون اساسی از این عبارت را کشف کرد. با این حال، بررسی بخش‌های مختلف مشروح مذاکرات شورای بازنگری تا زمان تصویب بند مزبور، گویای نتایج قابل تأملی در این خصوص است که در ادامه به تفصیل آن پرداخته می‌شود.

ملاحظه شور اول مذاکرات مربوط به اصل ۱۱۰ گویای آن است که وقتی مخبر کمیسیون رهبری (آقای مؤمن) در مقام بیان کلیاتی در خصوص اصلاحات مربوط به اصل مزبور بوده‌اند، راجع به بند «۳» این‌گونه بیان داشته‌اند که:

جمله اول: «مسأله صدور فرمان همه‌پرسی که مرجعی باید باشد که دستور بدهد که همه‌پرسی انجام بشود، کما اینکه در مسأله بازنگری در قانون اساسی آقایان عنایت فرموده بودند این هم از اختیارات مقام رهبری دانسته شد.»^۲

علاوه بر مطلب فوق، ایشان در انتهای سخنان‌شان در خصوص این صلاحیت مقام رهبری این‌گونه بیان می‌دارند که:

جمله دوم: «البته ظاهراً یکی دو تا اصل دیگر هم هست که اگر بنا شد همه‌پرسی به اختیار رهبر باشد، اصل ۵۹ و ۱۳۱ و احتمالاً ذیل اصل ۱۳۲ نیز اصلاح می‌شود. اینها مسائلی نیست که

۱. در این خصوص نایب رئیس (هاشمی) بیان داشته‌اند: «صدور فرمان، فکر می‌کنم صدور عبارت مناسبی نیست. معنای صدور صادر شدن است.» رک: اداره کل قوانین، اداره تدنویسی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم، چاپ دوم (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۸۰) ص ۱۳۴۵.

۲. اداره کل قوانین، اداره تدنویسی، همان، ج دوم، ص ۶۵۱.

کمیسیون با آن مخالف باشد»^۱

به جز دو نکته فوق، مطلب دیگری در مذاکرات مربوط به اصل ۱۱۰ و به‌طور کلی مذاکرات مربوط به کمیسیون رهبری یافت نشد که بتواند در تبیین هدف اعضای شورای بازنگری از اصطلاح فرمان همه‌پرسی مؤثر باشد و در نتیجه به‌منظور رسیدن به مقصود باید به تحلیل این دو مطلب پرداخت:

* تحلیل جمله اول

همچنان که از صراحت بیان مخبر کمیسیون رهبری روشن است، اعضای این کمیسیون به‌منظور پیش‌بینی صلاحیت «صدور فرمان همه‌پرسی» برای مقام رهبری، به «مسئله بازنگری در قانون اساسی» عنایت داشته‌اند. لذا، جهت تشخیص منظور آن‌ها از اصطلاح «صدور فرمان همه‌پرسی» لازم است تا این موضوع در «مسئله بازنگری در قانون اساسی» بازشناسی شود. بدین منظور، از عبارت «مسئله بازنگری در قانون اساسی» دو برداشت قابل تصور است:

۱- منظور از «مسئله بازنگری در قانون اساسی»، رویه عملی به کار گرفته شده جهت اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ بوده است؛

۲- منظور از «مسئله بازنگری در قانون اساسی»، مذاکرات مربوط به تدوین اصل ۱۷۷ قانون اساسی راجع به بازنگری در قانون اساسی بوده است.

پیش از تفصیل موضوع باید به این نکته اشاره کرد که در هیچ‌یک از فروض فوق، به موضوع صلاحیت مقام رهبری جهت صدور فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) اشاره نشده و این نکته گویای این مسئله است که ظاهراً مراد قانونگذار اساسی از عبارات «فرمان» یا «همه‌پرسی» چیزی متفاوت با آن مفهوم است که در حال حاضر متبادر به ذهن می‌شود. توضیح آنکه تا زمان تصویب بند «۳» اصل ۱۱۰، در رویه عملی فرآیند اجرای بازنگری در قانون اساسی اعم از فرمان حضرت امام خمینی^(ره)^۲، آیین‌نامه داخلی شورای بازنگری، اسناد و نامه‌ها مرتبط و همچنین رویه عملی تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، هیچ قرینه‌ای مبنی بر اینکه برگزاری

۱. همان، ص ۶۵۲.

۲. جهت مشاهده فرمان امام خمینی (ره) در این خصوص رک: روح الله خمینی (ره)، صحیفه امام، جلد بیست و یکم (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸) صص ۳۶۳-۳۶۴.

همه‌پرسی (رأی‌گیری) منوط به فرمان مقام رهبری باشد وجود نداشته است. از سوی دیگر، بررسی مشروح مذاکرات مربوط به «مسأله بازنگری در قانون اساسی» که قبل از بیان این مطالب توسط مخبر کمیسیون رهبری انجام شده نیز گویای آن است که طرح موضوعی مبنی بر اینکه برگزاری همه‌پرسی (رأی‌گیری) منوط به صدور فرمان از طرف مقام رهبری باشد دارای سابقه و اهمیت نبوده است.

در مقام تفصیل نکته اخیر باید اشاره کرد که در زمان بیان این مطالب توسط مخبر کمیسیون رهبری، هنوز فرآیند بازنگری در قانون اساسی تصویب نشده بود و تنها در شور اول مذاکرات مربوط به مسأله بازنگری، به صورت کلی در زمینه برخی از مراحل فرآیند بازنگری توافقی اجمالی حاصل شده بود. مهم‌تر آنکه، در محورهای اصلی مدنظر کمیسیون بازنگری که در شور اول مذاکرات بازنگری و قبل از تصویب بند «۳» اصل ۱۱۰ مطرح شده بود نیز مرحله‌ای تحت عنوان فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) پیش‌بینی نشده بود و در این ارتباط، تنها پیش‌بینی مقام مبتکر تجدیدنظر در قانون اساسی که در واقع آغازگر فرآیند بازنگری بوده، در زمره محورهای مدنظر کمیسیون مزبور و مورد اتفاق نظر اعضای آن شورا بوده است. لذا، روشن است برخلاف تبادر اولیه جمله مخبر کمیسیون رهبری که گویای آن است که نوعی اتفاق نظر در زمینه سپردن صلاحیت صدور فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) در مسأله بازنگری برای مقام رهبری وجود داشته، اساساً در این زمینه هیچ مطلبی مطرح نشده بود؛ چه رسد به اینکه در آن خصوص اتفاق نظر نیز وجود داشته باشد. بنابراین، جهت انجام برداشتی صحیح و منطقی از عبارت مخبر کمیسیون رهبری مبنی بر اینکه منظور آن کمیسیون از اصطلاح «صدور فرمان همه‌پرسی» چه بوده، لازم است تا از تبادر اولیه این اصطلاح عدول کرد و به فهم مراد آن‌ها پرداخت.

بدین منظور مقدمتاً بایستی به این نکته توجه کرد که در جریان اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، با توجه به عدم پیش‌بینی و تعیین قواعد و ضوابط مربوط به شیوه بازنگری در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ و از طرفی، اشاره بدان (امکان تجدیدنظر در قانون اساسی از طریق برگزاری همه‌پرسی در اصول ۱۳۱ و ۱۳۲ قانون اساسی ۱۳۵۸)، عملاً فرآیند اصلاح قانون اساسی از طریق فرمان امام خمینی^(ره) آغاز شد. لذا، ممکن است این فرمان حضرت امام در نزد اعضای شورای بازنگری به عنوان «فرمان همه‌پرسی» شناخته شده باشد. نکته مهمی که

می‌تواند مؤیدی بر این ادعا باشد این است که در جریان پیش‌بینی روند بازنگری در قانون اساسی (بررسی اصل ۱۷۷) و دقیقاً یک جلسه قبل از بیانات ذکر شده از مخبر کمیسیون رهبری، یکی از اعضای شورای بازنگری صراحتاً «صدور فرمان همه‌پرسی» که در گزارش کمیسیون رهبری به‌عنوان یکی از صلاحیت‌های مقام رهبری شناخته شده بود را به‌منزله شناسایی اقدام عملی حضرت امام خمینی^(ره) جهت صدور فرمان شروع فرآیند بازنگری معرفی کرده است. در این زمینه آقای موسوی بیان می‌دارند:

«... من اعتقاد دارم با توجه به همین دفعه‌ای که الآن یک تغییراتی در قانون اساسی دارد می‌افتد. یک رویه خوبی در جامعه انجام شد که ما می‌توانیم آن را نهادی‌اش بکنیم، تبدیل به اصل بکنیم، یک کمی پخته‌اش بکنیم و طبیعتاً باعث خواهد شد که کل ملت و مردم بیشتر در پشت این تغییر قرار بگیرند. بطور عادی نمایندگان مجلس از رهبری خواستند و رهبری مسأله قانون اساسی را طرح فرمودند. من دیدم که الآن وظایف رهبری را توزیع کردند، در بند پنجم [بند سوم مصوب] آن مسأله فرمان همه‌پرسی را گذاشته‌اند ما این را یقیناً باید داشته باشیم ولی در مقدمات امر چه اشکال دارد...»^۱

همچنان که صراحت این عبارت می‌رساند، ایشان به‌صورت مشخص منظور از اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» را ناظر بر شناسایی اقدام عملی حضرت امام مدنظر داشته‌اند و نتیجتاً بدین موضوع اشاره داشته‌اند که ابتکار فرآیند بازنگری باید از طریق فرمان مقام رهبری باشد. این در حالی است که در ادامه مذاکرات نیز این برداشت ایشان توسط سایر اعضای آن شورا مورد اشکال واقع نشده و از سوی دیگر سخن صریح دیگری که مؤید برداشت خلاف این رویکرد باشد توسط دیگران مطرح نشده است. البته با توجه به ادامه بیانات ایشان، برخی ممکن است این شبهه را مطرح کنند که منظور آقای موسوی از فرمان همه‌پرسی در عبارت بالا نیز، همان فرمان رأی‌گیری است؛ چرا که ایشان در ادامه بیان می‌دارند که:

«... در مقدمات امر چه اشکال دارد که فرضاً اگر دولت به نتیجه برسد برای تغییر، این تغییر را تبدیل به لایحه بکند بدهد به مجلس با دوسوم آرا و بعد از تأیید مجلس تازه احتیاج به تأیید رهبری و فرمان او داشته باشد یا خود مجلس در جمع رسید به این مسأله که خوب است که قانون اساسی

۱. اداره کل قوانین، اداره تندنویسی، همان، ج دوم، ص ۵۹۹.

تغییر بکند برای اینکه ساده هم نباشد با دوسوم آرا به صورت طرح مطرح بشود باز این مسأله موکول به این بشود که رهبری تأیید بکند و فرمان همه‌پرسی را او صادر بکند...^۱

به منظور رد شبهه ذکر شده توجه به این موضوع لازم است همان‌طور که در متن آمده، رویه عملی اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ با پیشنهاد نمایندگان مجلس به حضرت امام خمینی^(ه) آغاز شد و مبتنی بر همان الگو، زمانی که مخبر کمیسیون مربوط به بازنگری در جریان بررسی اصل ۱۷۷ به بیان محورهای اصلی اصل مربوطه می‌پردازد، محور اول مباحث آن‌ها این است که «چه کسی این [نیاز به بازنگری] را اعلام کند و چه کسی پیشنهاد کند؟». بر این اساس، یکی از موضوعات مطرح در آن جلسات، ناظر به مراجعی بوده است که بتوانند پیشنهاد بازنگری را به مقام رهبری بدهند. در این خصوص با توجه به اینکه در پیشنهاد کمیسیون مربوطه، صلاحیت پیشنهاد تنها برای مجمع تشخیص مصلحت نظام شناسایی شده بود، برخی از اعضای شورای بازنگری (از جمله آقای موسوی) معتقد بودند که باید به مراجع دیگری همچون مجلس و دولت نیز این صلاحیت را داد تا بتوانند پیشنهاد بازنگری را به مقام رهبری بدهند تا در صورتی که ایشان آن پیشنهاد را به مصلحت دیدند، فرمان همه‌پرسی - یعنی آغاز فرآیند بازنگری و تشکیل شورای بازنگری - را بدهند. لذا، مطلب بیان شده بدان معنا نیست که بقیه فرآیند بازنگری همچون تشکیل شورای بازنگری، تأیید مصوبه شورای بازنگری توسط مقام رهبری و برگزاری همه‌پرسی منتفی باشد؛ بلکه همان‌طور که در عبارات ایشان روشن است، سخن ایشان ناظر به مرحله قبل از صدور فرمان آغاز فرآیند بازنگری توسط مقام رهبری است و اتفاقاً در ادامه مطالب، ایشان پیشنهاد اصلاحاتی را در خصوص ترکیب اعضای شورای بازنگری ارائه می‌دهند. لذا، این قرائن گویای آن است که از نظر ایشان، وجود مرحله‌ای با عنوان بررسی شورای بازنگری و ارائه گزارش آن شورا به مقام رهبری جهت تأیید و برگزاری رأی‌گیری مفروض و مورد تأیید خود ایشان بوده و ایشان تنها انجام اصلاحاتی در ترکیب آن شورا را لازم می‌دانستند.^۲

بنا بر مطالب گفته شده و با عنایت به اینکه در سخنان هیچ‌یک از اعضای دیگر شورای

۱. همان.

۲. «در مورد این ترکیب که برادران مطرح کردند من راجع به تعدادش نظر ندارم ولی به شدت صنفی است و این را ما باید عوض بکنیم...» (اداره کل قوانین، اداره تندنویسی، همان، ج دوم، ص ۵۹۹).

بازنگری، صراحتاً از اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» در بند «۳» اصل ۱۱۰ به معنای «فرمان مرحله رأی‌گیری» استفاده نشده، این گونه به نظر می‌رسد که تنها فرض منطقی برای مفهوم اصطلاح «صدور فرمان همه‌پرسی» در بیانات مخبر کمیسیون رهبری، شناسایی حکم امام خمینی^(ره) در سال ۱۳۶۸ مبنی بر ابتکار بازنگری بوده است که البته این صلاحیت صراحتاً توسط کمیسیون بازنگری در قانون اساسی و در جریان تصویب اصل ۱۷۷ نیز شناسایی شد. با پذیرش برداشت فوق، روشن است علت اینکه در شور اول و دوم گزارش کمیسیون رهبری راجع به بند «۳» اصل ۱۱۰ هیچ موافقت یا مخالفتی بیان نشد، این نکته بوده که موضوع این بند مبتنی بر برداشتی که اعضای آن شورا داشته‌اند (فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی بازنگری) مورد اتفاق آن‌ها بوده است. در غیر این صورت، در هیچ زمینه دیگری راجع به بازنگری چنین اتفاق نظری وجود نداشته است.

* تحلیل جمله دوم

علاوه بر نکات فوق، در جمله دوم مخبر کمیسیون رهبری در این زمینه، اصلاح اصول ۵۹، ۱۳۱ و ذیل اصل ۱۳۲ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ به تبع پیش‌بینی صلاحیت صدور فرمان همه‌پرسی برای مقام رهبری لازم دانسته شد. در راستای فهم منظور مخبر کمیسیون رهبری از لزوم اصلاح اصول مذکور که می‌تواند در جهت اثبات درستی برداشت فوق اثرگذار باشد، باید به این نکته توجه نمود که یکی از دغدغه‌های اعضای شورای بازنگری این موضوع بوده است که از طریق اصلاح اصل ۵۹ بتوانند همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی را از ذیل همه‌پرسی تقنینی خارج کنند تا لزومی به اخذ موافقت اکثریت دوسوم نمایندگان مجلس در این موارد نباشد. در این خصوص، بنا بر سخنان نایب‌رئیس شورای بازنگری بر این نکته تأکید شد که تعدادی از نمایندگان مجلس معتقد بودند که به استناد اطلاق اصل ۵۹، مصوبات آن شورا - بعد یا قبل از تأیید مقام رهبری - بایستی به تصویب دوسوم نمایندگان مجلس برسند که اعضای شورای بازنگری در مقام رفع این شبهه بوده‌اند.^۱ لذا، برخلاف این تصور که منظور مخبر

۱. «اشکال این است که الآن نظریه‌ای در مجلس هست خیلی از نمایندگان چنین نظریه دارند که هر گونه همه‌پرسی را باید مجلس شورای اسلامی با دوسوم تصویب کند. این نظریه وجود دارد. اولاً اینجا تصریح بشود که این مشمول آن اصل نیست...» جهت مشاهده این نظر رک: اداره کل قوانین، اداره تندنویسی، همان، ج سوم، ص ۱۶۸۶.

کمیسیون رهبری از لزوم اصلاح اصل ۵۹ به تبع سپردن صلاحیت صدور فرمان همه‌پرسی به رهبری، به معنای تسری دادن صلاحیت رهبری بر اصل مزبور بوده است؛ در واقع تلاش جهت اصلاح اصل ۵۹ در راستای تأکید بر این نکته بوده است که برای برگزاری همه‌پرسی بازنگری نیازی به تصویب دوسوم نمایندگان مجلس نیست و مصوبه شورای بازنگری پس از تأیید مقام رهبری مستقیماً به همه‌پرسی گذارده خواهد شد.^۱ در همین راستا نیز، به منظور ایجاد نشدن هرگونه تلقی اشتباه، عبارت «رعایت ذیل اصل ۵۹ در مورد همه‌پرسی» (بازنگری در قانون اساسی) لازم نیست» به ذیل اصل ۱۷۷ الحاق گردید تا شبهه مدنظر اعضای شورای بازنگری و نمایندگان وقت مجلس رفع شود.

از سوی دیگر، با فرض عدم پذیرش مطلب فوق، اگر منظور مخبر کمیسیون رهبری، لزوم پیش‌بینی صلاحیت صدور فرمان همه‌پرسی (رای‌گیری) در زمینه همه‌پرسی تقنینی موضوع اصل ۵۹ برای مقام رهبری بوده باشد، عدم اصلاح اصل مذکور مؤیدی بر عدم پذیرش دخالت رهبری در این زمینه تلقی می‌شود. با این حال، هیچ یک از فروض فوق به اعتبار تحلیل ارائه شده در خصوص مفهوم اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» خدشه وارد نمی‌کنند.

بررسی مشروح مذاکرات مربوط به اصل ۱۳۲ نیز گویای آن است که ظاهراً دلیل مخبر کمیسیون رهبری جهت بیان لزوم انجام اصلاحات در اصول ۱۳۱ و ۱۳۲ به تبع الحاق بند «۳» به اصل ۱۱۰، این بوده است که از منظر برخی از اعضای شورای بازنگری، با تعیین مقام رهبری به عنوان مقام صالح جهت صدور فرمان همه‌پرسی، دیگر دلیلی برای ممنوع دانستن تجدیدنظر در قانون اساسی در دوران فترت ریاست جمهوری وجود نداشته است. چراکه، ظاهراً با وجود تصریح قانون اساسی، دیگر رئیس جمهور در زمینه اصلاح قانون اساسی نقشی نداشته که قائم مقام ایشان در غیاب او اقدام به صدور چنین فرمانی کند.^۲

۱. در این زمینه می‌توان به سخنان آقای عمید زنجانی رجوع شود: اداره کل قوانین، اداره تندنویسی، همان، ج سوم، صص ۱۶۸۷-۱۶۸۸

همچنین آقای موسوی خوینی‌ها در این زمینه بیان می‌دارند:
«من عرض می‌کنم حالا برویم همان اصل پنجاه و نهم را یک جمله‌اش را تغییر بدهیم در آنجایی که می‌گوید «درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب» الی آخر بگوییم. درخواست مراجعه به آرای عمومی در غیر بازنگری قانون اساسی». جهت مشاهده رک: اداره کل قوانین، اداره تندنویسی، همان، ج سوم، ص ۱۶۸۹.

۲. در این زمینه، در بخشی از مشروح مذاکرات شورای بازنگری آقای امینی این گونه بیان می‌دارند که:
«... در این مورد استثنائات برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی که این را استثناء می‌کنند در موضوع رهبری

بنا بر مطالب ذکر شده که بیان‌گر رویکرد کلی کمیسیون بررسی مسائل رهبری در ابتدای جلسات بررسی صلاحیت‌های مقام رهبری و همچنین رویکرد کلی کمیسیون مربوط به بازنگری در قانون اساسی بوده و برخی از اعضای شورای بازنگری نیز در بررسی اصلاحات قانون اساسی بدان‌ها تصریح داشته‌اند، این نتیجه به دست می‌آید که هدف اعضای شورای بازنگری از پیش‌بینی بند «۳» اصل ۱۱۰، شناسایی یک صلاحیت خاص و جدید برای مقام رهبری نبوده، بلکه پیش‌بینی چنین بندی ناظر بر شناسایی رسمی اقدام عملی امام (ره) مبنی بر صدور فرمان آغاز فرآیند بازنگری در قانون اساسی بوده که البته در اصل ۱۷۷ به تفصیل بدان تصریح شده است.

۴. سایر قرائن مؤید انحصار فرمان همه‌پرسی به ابتکار رهبر در همه‌پرسی اساسی فارغ از نتایج حاصل شده از بررسی مشروح مذاکرات شورای بازنگری، توجه به سایر قرائن مربوطه می‌تواند در جهت تأیید ادعای ذکر شده راهگشا باشد. در این راستا باید به این نکته توجه نمود که از منظر تاریخی اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مبتنی بر نیازهای مشخص و حدود تعیین‌شده‌ای صورت گرفت که بنا بر ضرورت‌های زمان و به موجب حکم امام خمینی^(ره) احصاء شده بودند.^۱ این در حالی است که نه در ضرورت‌های عملی دهه اول انقلاب و نه در حکم اولیه امام خمینی^(ره) هیچ توجهی به لزوم مقیدشدن برگزاری همه‌پرسی (رأی‌گیری) به فرمان مقام رهبری، به خصوص در زمینه همه‌پرسی تقنینی در مسائل مهم نشده بود و تنها موضوع، لزوم پیش‌بینی اصلی راجع به بازنگری در قانون اساسی و شناسایی مقام رهبری به‌عنوان مرجع مبتکر بازنگری در قانون اساسی سبب شد تا موضوع فرمان همه‌پرسی در مذاکرات آن شورا

این هر دو از اختیار رهبر قرار داده شده و اینجا فکر شده که چون از اختیارات رئیس جمهور است استثناء شده. اما در صورتی که از رهبر اگر باشد وجهی ندارد استثناء بشود. خوب رهبر اقدام نمی‌کند دیگر ...» جهت مشاهده رک: اداره کل قوانین، اداره تندنویسی، همان، ج دوم، ص ۱۰۷۲.

۱. نامه امام خمینی (ره) خطاب به رئیس جمهور وقت:

«محدوده مسائل مورد بحث: ۱- رهبری ۲- تمرکز در مدیریت قوه مجریه ۳- تمرکز در مدیریت قوه قضاییه ۴- تمرکز در مدیریت صداوسیما به صورتی که قوای سه‌گانه در آن نظارت داشته باشند ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد ۷- راه بازنگری به قانون اساسی ۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی.» قابل مشاهده در: امام خمینی (ره)، همان، صص ۳۶۳-۳۶۴.

مطرح گردد. با این مقدمه، باید تلاش کرد تا اصلاح صورت گرفته در اصل ۱۱۰ و الحاق بند «۳» به اصل مزبور را در راستای حکم امام خمینی^(ره) و پیش زمینه فکری اعضای شورای بازنگری تفسیر کرد و اینگونه نتیجه گرفت که وقتی در مذاکرات شورای بازنگری تا زمان تصویب بند «۳» اصل ۱۱۰، هیچ تصریح یا اشاره‌ای مبنی بر لزوم برگزاری همه‌پرسی (رأی‌گیری) از طریق صدور فرمان مقام رهبری وجود ندارد و اتفاقاً قرائن صریحی برخلاف آن وجود دارد، تحمیل مفهوم دیگری از اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» به اعضای شورای بازنگری در زمان تصویب بند «۳» اصل ۱۱۰ قابل پذیرش نیست.

عطف توجه به پیشینه و رویه عملی و قانونی تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ که احتمالاً در روند اصلاحات قانون اساسی، مدنظر اعضای شورای بازنگری بوده نیز می‌تواند در جهت رسیدن به این نتیجه مؤثر باشد؛ چراکه به موجب ماده (۳) «لایحه قانونی همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»^۱ - مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۰ - صلاحیت صدور «دستور شروع همه‌پرسی» و تعیین تاریخ اخذ رأی، امری اجرایی و در صلاحیت وزارت کشور قرار گرفته بود و از این جهت مقام رهبری در این مرحله هیچ مداخله‌ای نداشته‌اند.

همه این مطالب گویای آن است که اساساً در پیشینه تاریخی، عملی، قانونی، مذاکرات و اسناد تا زمان تصویب بند «۳» اصل ۱۱۰، هیچ‌گونه سخن یا مطلبی که حاکی از نیاز به مرحله‌ای تحت عنوان فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) باشد، قابل مشاهده نیست. لذا، این‌گونه به نظر می‌رسد که آنچه مدنظر اعضای شورای بازنگری از مفهوم فرمان همه‌پرسی بوده است و با اتکای به اتفاق نظر حول آن موضوع، در جریان بررسی بند «۳» اصل ۱۱۰ هیچ‌یک از اعضای آن شورا مخالفت یا موافقتی راجع به آن ارائه نداده‌اند، فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی بازنگری بوده که هم در عمل و هم در مذاکرات مربوط به مسأله بازنگری مورد اتفاق اعضای آن شورا بوده است.

علاوه بر قرائن فوق، با توجه به اینکه بر طبق صراحت اصل ۱۷۷، صدور فرمان آغاز فرآیند بازنگری و تأیید مصوبه شورای بازنگری در زمره صلاحیت‌های مقام رهبری دانسته شده و بر این اساس قانون‌گذار اساسی احتیاطات لازم در جهت اعمال اصلاحات در قانون اساسی را

۱. ماده ۳... وزارت کشور ضمن صدور دستور شروع همه‌پرسی، تاریخ اخذ رأی را تعیین و به حوزه‌های انتخاباتی اعلام خواهد کرد.

پیش‌بینی کرده است؛ پیش‌بینی صدور فرمان آغاز مرحله رأی‌گیری برای مقام رهبری به‌عنوان یک صلاحیت مجزا دارای وجه منطقی و معقول نیست. توضیح آنکه، پیش‌بینی صلاحیت‌های مکرر و پی‌درپی در یک موضوع و برای یک مقام، منجر به تطویل بی‌جهت فرآیند همه‌پرسی خواهد شد و به مبانی آن خدشه وارد می‌کند؛ ضمن اینکه، صلاحیت اخیر از نظر سطح اهمیت و اثرگذاری هم‌شأن با دو صلاحیت دیگر مقام رهبری در این زمینه نیست که نیاز به پیش‌بینی مقام رهبری به‌عنوان متصدی آن باشد. در تأیید نظر فوق می‌توان این‌گونه ادعا کرد که اگر مبنای مدنظر اعضای شورای بازنگری از دخیل دانستن مقام رهبری در فرآیند اصلاح قانون اساسی این بوده که از ثبات نظام سیاسی حفاظت کند و از این طریق از ایجاد بحران‌های سیاسی ناشی از تغییر یا اصلاح قانون اساسی اجتناب کند،^۱ منوط دانستن شروع فرآیند بازنگری و تأیید مصوبه شورای بازنگری به فرمان مقام رهبری در این چارچوب منطقی به نظر می‌رسد. ولیکن، صدور فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) پس از تأیید مصوبه‌ی شورای بازنگری توسط خود مقام رهبری در جهت صیانت از ثبات قانون اساسی، جایگاهی هم‌شأن با دو نقش دیگر رهبری در این فرآیند ندارد.

در پایان اشاره به این نکته لازم است که هرچند فرض حکمت قانون‌گذار اساسی این اقتضا را دارد که از تکرار پرهیزد و به اختصار اکتفا نماید، اما باید به این نکته توجه کرد که بند «۳» اصل ۱۱۰ تنها صلاحیت مقام رهبری نیست که به تکرار سایر اصول قانون اساسی پرداخته است؛ بلکه صلاحیت‌های مقرر در جزء‌های «الف»، «ب» و «ج» بند «۶» اصل ۱۱۰^۲ نیز صراحتاً تکرار احکام مقرر در اصول ۹۱،^۳ ۱۵۷^۴ و ۱۷۵^۵ قانون اساسی است. بر این اساس، استدلال حسین

۱. عباسعلی عمیدزنجانی، *درآمدی بر فقه سیاسی (مروری بر کلیات و مبانی حقوق اساسی)* (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳) ص ۱۰۶.

۲. اصل ۱۱۰-...

بند ۶- نصب و عزل و قبول استعفا: الف- فقهای شورای نگهبان. ب- عالیترین مقام قوه قضائیه. ج- رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ...

۳. اصل ۹۱- به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.

الف- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است. ب- ...
۴. اصل ۱۵۷- به‌منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به‌عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

۵. اصل ۱۷۵- ... نصب و عزل رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و ...

مهرپور که به جهت تصریح اصل ۱۷۷ نسبت به صلاحیت مقام رهبری در خصوص همه‌پرسی اساسی، شمول بند «۳» اصل ۱۱۰ را ناظر بر همه‌پرسی تقنینی دانسته، محل خدشه است. همچنین، استناد اساتیدی مانند فرید محسنی به اطلاق عبارت بند «۳» اصل ۱۱۰ نیز نمی‌تواند منجر به شمول این صلاحیت مقام رهبری نسبت به همه‌پرسی تقنینی شود؛ چراکه مبتنی بر قواعد علم اصول، استناد به اطلاق کلام نیز نیازمند قرینه است^۱ و حداقل بایستی به منظور استفاده از اطلاق کلام به «مقدمات حکمت» توجه نمود. بر این اساس، وقتی در مشروح مذاکرات قانون اساسی قرینه خاص برخلاف یک استدلال وجود دارد، نمی‌توان کماکان به اطلاق کلام استناد کرد. این در حالی است که در موضوع مورد بررسی، نه تنها قانون‌گذار در مقام بیان چنین منظوری نبوده^۲، بلکه قرینه‌های مختلفی دال بر تقیید بند مزبور وجود دارد که استناد به اطلاق را ناموجه می‌سازد. مهم‌تر آنکه، در همه تحلیل‌های مذکور به مفهوم متبادر اولیه از اصطلاح «فرمان همه‌پرسی» اکتفا شده که نادرستی آن در این پژوهش اثبات شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به ابهامات موجود در خصوص ماهیت و حدود صلاحیت مقام رهبری در صدور فرمان همه‌پرسی (موضوع بند ۳ اصل ۱۱۰) و خلأ نص قانون یا نظر تفسیری شورای نگهبان در این زمینه، در این پژوهش تلاش شد تا هدف تدوین‌کنندگان قانون اساسی از الحاق صلاحیت مزبور به صلاحیت‌های مقام رهبری، در جریان بازنگری قانون اساسی تبیین شود. مبتنی بر بررسی‌های صورت گرفته، از مشروح مذاکرات شورای بازنگری اینگونه به دست آمد که ظاهراً هدف اعضای آن شورا از الحاق بند «۳» به اصل ۱۱۰، پیش‌بینی صلاحیت جدیدی برای مقام رهبری نبوده و آنها به دنبال شناسایی رسمی اقدام حضرت امام خمینی^(ره) به منظور صدور فرمان آغاز فرآیند بازنگری بوده‌اند. حال آنکه، به این صلاحیت مقام رهبری در صدر اصل ۱۷۷ قانون اساسی نیز تصریح شده است.

۱. محمد کاظم‌بن حسین آخوند خراسانی، کفایه‌الاصول (قم: طبع آل‌البیت، ۱۴۰۹ ه.ق.) ص ۲۴۷.

۲. علاوه بر «اثبات در مقام بیان بودن»، «فرض ممکن بودن اطلاق و تقیید در هر مورد» و «عدم وجود قرینه متصله یا منفصله دلالت‌کننده به تقیید در کلام» نیز از جمله مقدمات حکمت محسوب می‌شوند رک: شیخ محمد رضا مظفر، اصول الفقه، جلد اول، چاپ دوم (نجف: انتشارات جهان، ۱۳۸۶ ه.ق.) صص ۱۸۴-۱۸۵.

در تأیید ادعای فوق، قرآینی همچون عدم شناسایی و اشاره در مذاکرات به مرحله‌ای تحت عنوان مرحله صدور فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) تا زمان تصویب بند ۳ اصل ۱۱۰، توجه به پیشینه تاریخی و قانونی این موضوع و اثبات عدم پیش‌بینی چنین صلاحیتی در قوانین مربوطه و همچنین، عدم وجود ضرورت و مبنای منطقی جهت پیش‌بینی صلاحیت صدور فرمان همه‌پرسی (رأی‌گیری) برای مقام رهبری، همگی عواملی هستند که با توجه به وجود خلأ قانونی در این زمینه، تفسیر صلاحیت مقرر در بند ۳ اصل ۱۱۰ به اینکه این بند به تکرار صلاحیت مصرح در صدر اصل ۱۷۷ پرداخته را توجیه می‌کنند.

بنابراین، با پذیرش این مطلب که مراد تدوین‌کنندگان قانون اساسی از اصطلاح «فرمان همه‌پرسی»، «فرمان آغاز فرآیند همه‌پرسی» بوده و نه «فرمان آغاز مرحله رأی‌گیری»، بدون نیاز به استناد به مشروح مذاکرات و تنها با استفاده از نص قانون اساسی می‌توان دریافت که به جهت اینکه همه‌پرسی تقنینی به صراحت اصل ۵۹ با «درخواست» آغاز می‌شود و نه «فرمان»، علی‌الاصول بند «۳» اصل ۱۱۰ از همه‌پرسی تقنینی انصراف دارد. ضمن اینکه در مشروح مذاکرات شورای بازنگری هیچ قرینه‌ای مبنی بر تسری این صلاحیت به این دسته از همه‌پرسی‌ها وجود ندارد و در قانون مربوطه و نظرات تفسیری شورای نگهبان نیز چنین صلاحیتی برای مقام رهبری در نظر گرفته نشده است.

در پایان پیشنهاد می‌شود که با توجه به ابهامات موجود در خصوص مفهوم و حدود شمول بند «۳» اصل ۱۱۰، در اصلاحات آتی قانون اساسی، بند مزبور به کلی حذف شود؛ چراکه اشاره به این صلاحیت مقام رهبری در صدر اصل ۱۷۷ قانون اساسی کافی است. در شرایط موجود نیز ارائه نظر تفسیری از سوی شورای نگهبان یا تعیین تکلیف این موضوع در قانون عادی می‌تواند وافی به مقصود باشد و ابهامات موجود در این زمینه را رفع نماید.

منابع

الف- فارسی

کتاب‌ها

- ابادری فومشی، منصور، *ترمینولوژی حقوق نوین*، جلد سوم (تهران: انتشارات شهید داریوش نوراللهی، ۱۳۹۲).
- اداره تبلیغات و انتشارات، *راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با معرفی مجلس و اعضای خبرگان*، جلد چهارم (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸).
- اداره کل قوانین، اداره تدنویسی، *صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد سوم، چاپ دوم (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۸۰).
- اداره کل قوانین، اداره تدنویسی، *صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، چاپ دوم (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۸۱).
- امام خمینی^(ره)، *روح الله، صحیفه امام*، جلد بیست و یکم (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره)، ۱۳۷۸).
- بوشهری، جعفر، *حقوق اساسی تطبیقی* (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴).
- بوشهری، جعفر، *حقوق اساسی حکومت* (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد چهارم، چاپ سوم (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶).
- دهخدا، علی اکبر، *فرهنگ متوسط دهخدا*، جلدهای اول و دوم (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵).
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اساسی*، چاپ چهاردهم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰).
- عمیدزنجانی، عباسعلی، *درآمدی بر فقه سیاسی (مروری بر کلیات و مبانی حقوق اساسی)* (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳).

- قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، چاپ دوازدهم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳).

- محسنی، فرید، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۹۵).

- مهرپور، حسین، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۸۷).

- هاشمی، سیدمحمد، *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی* (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰).

- هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، چاپ بیستم (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷).

- یزدی، محمد، *قانون اساسی برای همه* (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵).

مقاله

- واعظی، مجتبی، «ارزش حقوقی مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی»، *نشریه حقوق اساسی*، شماره ۳، (۱۳۸۳).

ب- عربی

- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، *کفایه الاصول* (قم: طبع آل‌البیت، ۱۴۰۹ ه.ق).

- مظفر، شیخ محمدرضا، *اصول الفقه*، جلد اول، چاپ دوم (نجف: انتشارات جهان، ۱۳۸۶ ه.ق).

پ- انگلیسی

Books

- Curzon, L.B, *Dictionary of Law*, Sixth Edition (Longman: 2002).

- H. De Vreese, Claes, Semetko, Holli A, *Political Campaigning in Referendums (Framing the Referendum Issue)* (Routledge London and New York, 2004).

- Hornby, A.S, *Oxford Advanced Learners Dictionary of Current English*, Sixth Edition, Edited by Sally Wehmeier (London: Oxford University Press, 2001).

- Longman, Longman, *Dictionary of Contemporary English*, Third Edition (Longman, 2001).

- Mendelsohn, Matthew, Parkin, Andrew, *Referendum Democracy* (Palgrave, 2000).

- Setala, Maija, *Referendums and Democratic Government* (London: Palgrave Macmillan, 1999).

Article

Ellis, Andrew, "The Use and Design of Referendums", 2007. Visible on: <https://www.idea.int/sites/default/files/speeches/The-Use-and-Design-of-Referendums.pdf>, last seen: 13 April 2019.

Documents

- Spanish Constitution, Visible on: http://www.congreso.es/portal/page/portal/Congreso/Congreso/Hist_Normas/Norm/const_espa_texto_ingles_pdf, last seen: 13 April 2019.

- The United States Constitution, Visible on: https://www.constituteproject.org/constitution/United_States_of_America_1992, pdf, last seen: 13 April 2019.

- Constitution of Italy, Visible on: https://www.constituteproject.org/constitution/Italy_2012.pdf?lang=en, last seen: 13 April 2019.

- The Turkmenistan Constitution, Visible on: https://www.constituteproject.org/constitution/Turkmenistan_2008.pdf?lang=en, last seen: 13 April 2019.

- The Constitution of the Republic of Korea, Visible on: https://www.constituteproject.org/constitution/Republic_of_Korea_1987.pdf?lang=en, last seen: 13 April 2019.

- The Constitution of Denmark, Visible on: https://www.constituteproject.org/constitution/Denmark_1953.pdf?lang=en, last seen: 13 April 2019.